بسم الله الرحمن الرحیم

توحید افعالی از دیدگاه جوادی آملی با محوریت سوره یوسف

عزیزه سعادتمند[1]

چکیده

توحید و همه‌ی ابعاد آن، از جمله توحید افعالی از مؤلفه های اساسی و محور اصلی آموزه های اسلامی می-باشد از میان شاخه های توحید، توحید افعالی و باور تحقیقی و یقینی به آن، کارکردهای زیادی در همه‌ی ابعاد زندگی انسان دارد. در این نوشتار تلاش شده تا این مهم از دیدگاه آیت الله جوادی آملی مورد دقّت و بررسی قرار گیرد هدف از این پژوهش که به روش کتابخانه‌ای و بارویکرد توصیفی – تبیینی گردآوری و با مراجعه به کتابهای ایشان که مخصوصاً در این زمینه تألیف شده است آشنایی با دیدگاه ایشان به عنوان حکیم وفیلسوف ومفسر قرآن کریم در زمینه توحید افعالی با محوریت سوره یوسف که در سراسر زندگی وقصه‌ی حضرت یوسف در قرآن کریم ولایت الهی از موارد توحید افعالی ظهور دارد و قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت این آموزه‌ی مهم را در قالب قصه بیان داشته تا همگان از آن درس بگیرند، از دیگر موارد توحید افعالی توحید درخالقیت، ربوبیت، رازقیت، ولایت،و... شبهات مطرح شده در این موضوع نیز ناشی از درست تبیین و حل نشدن موضوع در میان برخی فرقه ها ومذاهب مختلف می‌باشد.

کلیدواژه ها: توحید، توحید افعالی، سوره یوسف، جوادی آملی، ولایت الهی

مقدمه:

بی تردید ادیان آسمانی و ابراهیمی بر وحدت ویکتایی خداوند تأکید دارند و معتقدندآفریدگار جهان ممکن یک وجود بیش نیست که همان خدا و«الله» است که در دین پژوهی از این به اصل«توحید» تعبیر می شود که خود

۱- دانش آموخته سطح ۳ مرکز آموزش عالی حوزه علمیه الزهراء تبریز،
همراه: ۰۹۳۸۱۶۳۸۳۱۱ .alisaaadatmand95@gmail.com

سه قسم می باشد: ذاتی، صفاتی و افعالی، توحید تنها معرفت انسان است که اگر بسط پیدا کند می شود نبوت ومعاد و...از نظر وظیفه نیز انسان یک وظیفه دارد و آن بندگی خداست توحید به همه ابعاد انسان سلطه دارد از ظاهری ترین رفتار تا معنوی ترین رفتار؛ وهرچقدر شناخت واعتقاد تحقیقی ونه تقلیدی انسان در توحید بیشتر باشد رفتار وکردار انسان نیز بهتر خواهد بود و چنین انسانی در مسیر بندگی به خدایش بیشتر تقرب می یابداز میان اقسام نظری توحید، توحیدافعالی(یعنی هیچ موثر مستقلی در عالم غیر از خدای سبحان نیست وقیّومیّت هستی، آفرینش، خالقیت، مالکیت، رازقیت و ولایت که هر یک بر دیگری مترتب است منحصراً از آن خداست) ثمره‌ی عقیده به توحید افعالی آن است که انسان تنها متکی به« اللَّه» خواهد بود، چرا که تنها ذات «اللَّه» قابل اعتماد و ستایش است، و لیاقت این را دارد که انسان او را تکیه گاه و ولی خود در همه چیز قرار دهد«توکل» و پرستش خالصانه«توحید عبادی» ازثمرات باور عمیق به توحید افعالی است و علاوه برآنها باور درست به آن کارکردهای زیادی در همه‌ی ابعاد زندگی انسان داردکه در این مقاله سعی بر آن است که به روش کتابخانه‌ای با رویکرد تبیینی – توصیفی این قسم از توحید را از دیدگاه حکیم و فیلسوف ومفسرقرآن کریم آیت الله جوادی آملی با محوریت معارف احسن القصص قرآن سوره یوسف،تبیین گردد، معظم له در کتاب توحید در قرآن جلد دوم از تفسیر موضوعی به طور مبسوط در باره توحید در قرآن نظراتشان را ارایه دادند در زمینه توحید افعالی نیز به تحلیل عمده ترین ویژگیها و جلوه های آن وبررسی مهم ترین شبهه ها در این زمینه وپاسخ آنها پرداخته اند با محوریت آیات قرآن در این مقاله سعی بر آن است تا به طوردقیق وخلاصه نظرات ایشان را آورده و بعد درسوره یوسف جلوه های توحید افعالی الهی بیان شود.

۱.مفهوم لغوی و اصطلاحی توحید

اولین گام برای ورود به هر بحث معرفتی مفهوم شناسی واژه های کلیدی آن بحث می‌باشد تازمینه برای تفهیم بهتر ومدخلی برای مطالب بعدی باشد.

الف)توحید درلغت؛ واژه «توحید» مصدر باب«تفعیل» به معنای یگانه دانستن به کار رفته به گونه ای که در مفهوم انفراد و یگانکی لحاظ شده است. ریشه توحید که «وحّد» است و «وحدت» از آن مشتق می شود به

معنای انفراد است از این رو «واحد» به چیزی اطلاق می شود که جزء ندارد.(راغب اصفهانی،۱۳۷۴،ج۴،ص۵۵۱). و با توجه به همین معنا، توحید یعنی تنها قرار دادن یک چیز(تاج العروس، ۱۴۱۴ق، ج۵، ص۲۹۸)؛ یگانه کردن و به یگانگی وصف نمودن (احمدنگری،۱۹۷۵م،ج۱، ص۳۶۱)؛ حکم به یگانگی چیزی وعلم به یگانگی آن.

ب)توحید در اصطلاح؛ «یگانه دانستن ویگانه شمردن خدا» (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص۵۸)؛ ایمان به یگانگی خداوندی (صاحب،۱۴۱۴ق، ص۲۴۶) توحید؛ یعنی علم به اینکه خداوند متعال یکتاست وکسی در صفات ثبوتی و سلبی که مستحق خداوند است شریک نیست و اقرار به این علم و یگانگی. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۱۵ق،ص۸۶).

توحید به دو بخش کلی نظری وعملی تقسیم می‌گردد و هر یک از این دو بخش نیز دارای اقسام ومراتبی است.توحید نظری به سه مرتبه‌ی ذاتی، صفاتی و افعالی تقسیم می‌شود؛ کلمه«وحده» در شعار«لاإله إلا الله وحده وحده وحده» (مجلسی،۱۴۰۳ق، ج۸۳، ص۲۲)بیان کننده‌ی این مراتب سه گانه است، نه آنکه از سنخ تکرار باشد؛ زیرا برای هر کدام معنای خاصی است.(جوادی آملی، ۱۳۸۹،ج۲، ص۲۰۱).

ج) توحید افعالی؛ در مرحله‌ی فعل الهی در سه مقام خلق و آفرینش جهان، اداره و تدبیر جهان، صدور آثار اشیاء و صدور افعال از انسان، قابل بحث وتبیین است، توحید افعالی فاعل حقیقی را در این سه مرحله خداوند می‌داند.(قدردان قراملکی، ۱۳۹۳، ص۲۷۷) توحید افعالی از منظر قرآن کریم یعنی هیچ موثر مستقلی در عالم غیر از خدای سبحان نیست وقیّومیّت هستی، آفرینش، مالکیت، ربوبیت، رازقیت و ولایت که هریک بر دیگری مترتب است منحصراً از آنِ خداست.(جوادی آملی، همان، ص۳۷۹).

۲.ویژگیهای فعل الهی

آیت الله جوادی آملی قبل از بیان موارد توحید افعالی به ویژگیهای فعل الهی می پردازندو برای افعال الهی نه ویژگی بیان می‌فرماید که در ذیل به طور اجمال به آنها اشاره می‌شود.

۲-۱. تحقق فعل به صرف اراده؛ هرگاه خدا فعلی را اراده کند وبخواهد شیء در خارج موجود شود، صرف اراده‌ی او برای تحقق آن شیء کافی است؛ قرآن کریم راجع به تأثیر سریع اراده الهی چنین می‌فرماید: « وَإِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ»(بقره: ۱۱۷)؛ چون به کاری اراده فرماید فقط می‌گوید [موجود] باش پس [فورا موجود] می‌شود.« إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»(یس: ۸۲)؛ چون به چیزی اراده فرماید کارش این بس که می‌گوید باش پس [بی‌درنگ] موجود می‌شود. قادر منّان می‌تواند نقص مبدأ قابلی را با اراده‌ی تکوینی خویش جبران کند.(رک؛ جوادی آملی ، همان.ص۳۷۹-۳۸۱)

۲-۲.تخلف ناپذیری فعل از اراده؛ تحقق فعل از اراده‌ی تکوینی اوست، نه تعجیز بردار است و نه عصیان پذیر؛ زیرا خدای سبحان با اراده‌ی تکوینی خود هستی هر چیزی را می‌آفریند وبا قدرت قاهره‌ی خویش هرگونه مانعی را از جانب هر که و هر چه باشد بر می‌دارد.قرآن کریم نسبت به کمال اقتدار و توانایی خدا بر بندگان می-فرماید: « وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ..» (انعام:۱۸) ؛ و اوست که بر بندگان خویش چیره است.« وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ»(عنکبوت: ۲۲). سراسر جهان هستی سربازان الهی هستندو به طور تکوینی فرمانبردار.(رک؛ جوادی آملی، همان، ص۳۸۱-۳۸۳).

۲-۳. کفایت مبدأفاعلی؛ خداوند سبحان مبدأ فاعلی عالم و خالق هستی است و عالم هستی را نه از «شیء»(چیزی) و نه از «لاشیء»(عدم) آفریده بلکه طبق فرمایش امیرالمومنین علیه السلام وخطبه‌ی نورانی حضرت زهرا سلام الله علیها خدا آنچه را آفریده نو و بدیع یعنی«لامن شیء» آفریده و ساخته است.حضرت علی علیه السلام فرمود: « الَّذِي لَامِنْ شَيْءٍ كَانَ، وَ لَا مِنْ شَيْءٍ خَلَقَ مَا كَانَ... وَ كُلُّ صَانِعِ شَيْءٍ فَمِنْ شَيْءٍ صَنَعَ وَ اللَّهُ لَا مِنْ شَيْءٍ صَنَعَ مَا خَلَقَ »(صدوق،۱۳۹۸ق،ص۴۱؛ کلینی، ۱۴۰۱ق،ج۱،ص۱۳۴-۱۳۵)؛ خدایی که نه از چیزی که از قبل بود، وجود یافت، ونه آنچه را خلق فرمود از چیزی آفرید.... سازنده‌ی هر چیزی آن را از چیزی ساخته است و خدا آنچه را آفریده نو وبدیع یعنی« لا من شیء» آفریده وساخته است.

حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌فرماید: « ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا، وَ أَنْشَأَهَا بِلَا احْتِذَاءِ أَمْثِلَةٍ » (طبرسی، ۱۴۱۶ق،ج۱، ص۲۵۵)؛ اشیاء را بدون آنکه از چیزی که از قبل بود، بدیع و نوظهور آفرید و آنها را بدون الگوگیری از نمونه ای ایجاد کرد.

طبق این بیانات نورانی، خلقت اشیاءنه «من شیء» است که ازلیت ماده لازم بیاید و نه« من لاشیء» است که مستلزم آفرینش از عدم است، بلکه فرض سوم یعنی«لامن شیء» صحیح است(رک؛ جوادی آملی، همان، ۳۸۳-۳۸۴).

۲-۴.مادی نبودن فعل؛ فعل یا مادی است یا مجرد؛ یعنی فعل فاعل دو نوع است: الف. فعلی که فاعل آن در انجامش محتاج به حرکت اعضا و استمداد از ابزار است، مانند فعل انسان وحیوان. لازم طبعی چنین فعلی خستگی وزود گذر و... است. فعلی که فاعل آن نیازمند به حرکت و ادوات و ابزار مادی نیست در این فعل چون مادی نیست خستگی و محدودیت و.. نیست. از آنجا که خدای سبحان فاعلی است که افعال او بدون حرکت و ابزار انجام می‌شود؛« فَاعِلٌ لَا بِمَعْنَى الْحَرَكَاتِ»(صبحی صالح،۱۴۱۴ق، خ ۱) و در ساحت قدس او هیچ خستگی راه ندارد«ابْتَدَعَ مَا خَلَقَ بِلَا مِثَالٍ سَبَقَ، وَ لَا تَعَبٍ وَ لَا نَصَبٍ، وَ كُلُّ صَانِعِ شَيْءٍ فَمِنْ شَيْءٍ»(صدوق، همان، ص۴۳؛ کلینی، همان، ص۱۳۵) معلوم می‌شود افعال خداوند مادی نیست.(رک؛ جوادی آملی ، همان)

۲-۵. صدور به نحو تجلّی؛ از ویژگیهای فعل خدا صدور آن به نحو تجلّی است نه تجافی. معنای صدور به نحو تجافی این است که فعل از مبدأ خود جدا شده انتقال می‌یابد، به گونه‌ای که دیگر در نزد او نیست؛ مانند نزول باران از آسمان که وقتی به زمین رسید دیگر وجود مادی آن در آسمان نیست.

معنای صدور فعل به نحو تجلّی این است که آنچه در نزد خداست در عین حال که اصل و حقیقت آن نزد اوست رقیق شده و تنزل یافته اش برای دیگران تجلی کرده، آشکار شود مانند نزول قرآن کریم در شب قدر بر پیامبر اکرم که اصل و حقیقت آن نزد خدا بوده وهست و مرتبه‌ی دقیق و نازل آن برای استفاده‌ی افراد عادی در قالب الفاظ و کلمات بر آن حضرت فرود آمد، صدور هر فعلی از خدا حتی باران به صبغه‌ی تجلّی است نه به سبک تجافی (رک: جوادی آملی، همان).

۲-۶.دوام فیض(بخشش)؛ اصل پیدایش هر چیزی در جهان امکان و نیز انقطاع یا استمرار آن تابع اراده‌ی الهی است. اگر خداوند چیزی را به طور محدود بخواهد، آن شیء به نحو موقت انجام می‌شود و اگر امری را به طور

خداوند داستان آن جناب را از خوابی که در ابتدای امر و در کودکی در دامن پدر دیده بود آغاز نمود. آری، رؤیای او از بشارتهای غیبی بود که بعدها آن را خارجیت داده، و با تربیت الهی که مخصوص یوسف بود کلمه او را کامل گردانید. آری، سنت خدای تعالی در باره اولیائش همین بوده که هر یک از ایشان را در تحت تربیت خاصی پرورش دهد هم چنان که فرموده:«أَلا إِنَّ أَوْلِياءَ اللَّهِ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ كانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرى فِي الْحَياةِ الدُّنْيا وَ فِي الْآخِرَةِ لا تَبْدِيلَ لِكَلِماتِ اللَّهِ ذلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»(یونس: ۶۲-۶۴)

و در جمله‌ای که بعد از رؤیای یوسف و تعبیر پدرش آورده و فرموده:« لَقَدْ كانَ فِي يُوسُفَ وَ إِخْوَتِهِ آياتٌ لِلسَّائِلِينَ» ؛ (یوسف: ۷)؛ اشعار به این معنا دارد که گویا اشخاصی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) داستان یوسف و یا مطلبی را سؤال کرده بودند که با این داستان ارتباط داشته، و این اشعار مؤید آن روایاتی است که می‌گوید قومی از یهود، مشرکین مکه را وادار کردند تا نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شده از سبب انتقال بنی اسرائیل به مصر پرسش کنند(چون بنی اسرائیل فرزندان یعقوب بودند که خود ساکن سرزمین شام بودند) مشرکین هم این سؤال را در میان نهادند، و در جوابشان این سوره نازل شد.

خداوند با بیان این داستان غرض عالی از آن را استخراج کرده است و آن مساله ولایت خدای تعالی نسبت به بندگان مخلص است که در ابتداء و خاتمه این سوره بطور چشم‌گیری منعکس است.(طباطبایی همان، ج۱۱، ص۹۸-۱۰۰).

۷-۴. ولایت خدا برانسان

انسان برای تأمین سعادت دنیا و آخرت خود، به راه و راهنما نیازمند است که او را به مقصد برساندوبا مقصود آشنا کند. ذات اقدس الهی، تنها راهنمایی است که مقصد هم در اختیار اوست، چنان که مقصود، لقای اوست. اگر کسی از صراط مستقیم وهدف اصیل غافل نشود و فراز ونشیب آزمون ها او را منحرف یا منصرف نکند و سختی های راه او را تحمل کند، سرانجام، خدا او را از ذلت به عزت و از دشواری به آسانی می رساند:« فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً* إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً»(انشراح: ۵-۶)

چنان که یوسف (علیه السلام) را از همان راهی عزیز کرد که برادرانش وهمسر عزیز مصر خواستند او را خوار کنند.

پیمودن این راه، برای همه استعدادهای متفاوت شدنی است. هر کس بنده خالص باشد، مانند یوسف علیه السلام زیر تدبیر، تربیت و ولایت خدای سبحان قرار می‌گیرد: « رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِن تَأْوِيلِ الأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ أَنتَ وَلِيِّي فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ»(یوسف:۱۰۱)

خدا ولی مومنان خالص است و همواره آنان را از تاریکی ها به سوی نور هدایت می‌کند، و هر پیشامدی که در مسیر تکاملی شان سدّ راه ایشان گردد، همان را وسیله رشد و تعالی آنان قرار می‌دهد.(جوادی آملی،همان، ص۳۱-۳۲).

۷-۵.آثار توحید افعالی وظهور آن درسوره یوسف

از آثار وعلایم ترقی در مراتب توحید در انسانها توکل کردن به خداوند در جمیع امور می‌باشدکه همه امور را به خداوند واگذارد و از وسایط چشم بپوشد زیرا دیگر برای او روشن شد که به غیر از خدا احدی منشأ هیچ اثری نیست و مبدأهمه موجودات ومنشأ هر فعلی از خلق ورزق و عطا ومنع و غنا و فقر ومرض وصحت وذلت و عزت وحیات وممات و...خداوند است. چنین فردی اگر این مرتبه برای او حاصل شد هیچ گونه شرک ووسوسه شیطان در او راه نمی‌یابد و اعتماد وامیدش به خداوند است(رک: نراقی،۱۳۸۴ش، ۱۰۵).ازآثاراعتقاد به توحید افعالی است که که بنده به خداوند توکل واقعی می کند و نتیجه توکل واعتماد به خداوندآرامش است که در زندگی حضرت یوسف بود.

انحصار توکل در توکل به خدا

انحصار عون در خدا:«.. وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ »(یوسف:۱۸) و منحصر شدن توکل به او:« إِنِ الْحُكْمُ إِلاَّ لِلّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ» (یوسف:۶۷)حصر وجودی را برای اهل تحقیق در پی دارد.(رک: جوادی آملی، ۱۳۹۰ش، ص۳۸۹-۳۹۵).

در تفسیر المیزان چنین آمده است:

جمله« وَ اللَّهُ الْمُسْتَعانُ عَلی ما تَصِفُونَ»که راستی کلام عجیبی است در بیان توکل حضرت یعقوب علیه السلام است بر خدایش. یعقوب می‌فرماید: من می‌دانم که شما در این قضیه مکر و حیله‌ای به کار برده‌اید، و می‌دانم که یوسف را گرگ نخورده، و لیکن در کشف دروغ شما و دست‌یابی بر یوسف به اسباب ظاهری که بدون اذن خدا هیچ اثری ندارند دست نمی‌زنم و در میان این اسباب دست و پا نمی‌زنم بلکه با صبر، ضبط نفس نموده، و با توکل به خدا حقیقت مطلب را از خدا می‌خواهم پس معلوم شد که جمله«وَ اللَّهُ الْمُسْتَعانُ عَلی ما تَصِفُونَ»دعایی بود که یعقوب (علیه السلام) در مقام توکل کرده، و معنایش این است:« پروردگارا! من در این گرفتاریم بر تو توکل کردم تو در آنچه که این فرزندانم می‌گویند یاریم کن». و این جمله توحید در فعل را می‌رساند. یعقوب خواست بگوید تنها و یگانه مستعان خداست، و مرا جز او مستعانی نیست.

آری، او معتقد بود که هیچ حکم حقی نیست مگر حکم خدا... و برای اینکه توحید در فعل را تکمیل نموده و به بالاتر از این برساند اصلا اسمی از خود نبرد، و نگفت:« بزودی صبر خواهم کرد» و نیز نگفت:« و من در آنچه شما می‌گویید به خدا استعانت می‌جویم» بلکه خود را به کلی کنار گذاشت و فقط از خدا دم زد، تا برساند همه امور منوط به حکم خداست که تنها حکم او حق است، و این کمال توحید او را می‌رساند .....(طباطبایی، همان، ص۱۴۳–۱۴۵).بنابراین داستان حضرت یوسف علیه السلام که توحید افعالی در سراسر آن موج می‌زند بیانگر آن است که اعتقاد درست به توحید خداوند ثمرات زیادی در زندگی دارد واین انکار تلاش خود انسان نیز نمی باشد بلکه انسان با تکیه واعتماد بر خداوند در هر برهه از زندگی باید وظیفه اش را با اخلاص انجام دهد و نتیجه را به خداوند واگذارد.خداوند که همه کاره‌ی عالم است بهترین ها را برای او رقم می‌زند.

نتیجه

توحید افعالی به عنوان شاخه ای از توحید از مهمترین مؤلفه‌ی اسلامی می‌باشد که این شاخه ای از توحید بیشترین تأثیر و کارکرد را در زندگی انسانها دارد چرا که بیان می‌کند تنها مؤثر و منشأ اثر همه‌ی موجودات عالم امکان از خداست که خالق است از فروعات توحید افعالی؛ توحید خالقیت، حاکمیت، ربوبیت، رازقیت، ولایت، و... می‌باشد آیت الله جوادی آملی نیز مانند دیگر حکیمان به شرح توحید افعالی پرداخته است ولی امتیاز ایشان

بر سایر حکماء، مفسر بودن ایشان است که طبق آیات و شواهد قرآنی به حل مسأله و شبهات پرداخته اند و سوره یوسف که تحقیق حاضر بر محوریت این سوره می‌باشدغرض سوره یوسف بیان توحید افعالی یاولایت خداوند متعال می‌شد که درسرتا سر زندگی حضرت یوسف دیده می‌شود و چون حاصل توحید افعالی و باور یقینی به آن در زندگی توکل و امید به خداوند در مراتب بالایی می‌باشد در سوره یوسف نمونه‌ی انسانی که خود را تحت ولایت خداوند قرار داده است وعاقبت آن آورده شده است که می‌تواند در زندگی الگو باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم؛ ترجمه فولادوند

نهج البلاغه؛ صبحی صالح

احمد نگری، قاضی عبدالنبی، **جامع العلوم فی اصطلاحات الفنون الملقب بدستور العلماء**، ج۲، چاپ دوم، بیروت: بی‌نا، ۱۹۷۵م.

جمعی از نویسندگان، **شرح المصطلحات الکلامیهٔ**، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۱۵ق.

جوادی آملی، عبدالله، **تفسیر موضوعی(توحید در قرآن)**، قم:اسراء، ۱۳۸۹، چاپ پنجم.

_____، **تسنیم**، قم:اسراء،ج۴۱،۴۰،چاپ دوم، ۱۳۹۶.

_____، **عین نضّاخ(تحریرتمهید القواعد)**، قم: اسراء، ج۳،چاپ دوم،۱۳۹۰.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد ، **مفردات ألفاظ القرآن** ، چاپ اول، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ ه.ق.

شیخ صدوق، ابن بابویه قمی، **التوحید**، تحقیق: سید هاشم حسینی تهرانی، چاپ ششم، ۱۳۹۸ق.

صاحب، اسماعیل بن عباد، **المحیط فی اللغهٔ**، محقق/مصحح، محمد حسن آل یاسین، ج۴، چاپ اول، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۴ق.

طباطبایی، محمد حسین ، **المیزان فی تفسیر القران**، ترجمه محمدباقرموسوی همدانی، ج۴، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.

طباطبایی، محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ق.

طبرسی، ابی منصور، **الاحتجاج**، تحقیق: ابراهیم بهادری، تهران: اسوه، چاپ دوم، ۱۴۱۶ق.

قدردان قراملکی، محمدحسن،**پاسخ به شبهات کلامی دفتراول: خداشناسی**، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۹۳.

کلینی، یعقوب بن اسحاق، **الاصول من الکافی**، تحقیق، علی اکبر غفاری، بیروت: دارالصعب و دارالتعارف، چاپ چهارم، ۱۴۰۱ق.

مجلسی، محمدباقر، **بحارالانوار**، ج۳۶، بیروت: داراحیاءالتراث العربی، ۱۴۰۳ق.

مرتضی زبیدی، محمدبن محمد، **تاج العروس**، محقق/مصحح، علی شیری، ج۵ ، چاپ اول ، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.

مصباح یزدی، محمدتقی، **معارف قرآن(خداشناسی)**، چاپ سوم، قم: انتشارات موسسه آموزشی وپژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۹.

نراقی، احمد، **معراج الساده**، تهران: فراروی،چاپ سوم، ۱۳۸۴.